www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

Relationship Between Mother's Employment with Happiness and Academic Self-Efficacy of Students

HosseinAli Jahed[1]*, Seyedeh Asma Hosseini[2], Zahra Toghani Dolatabadi[3], Shayesteh Abdolmaleki[3]

[1] Department of Educational Science, Yadegar-e- Imam Khomeini (rah), shahr-e-rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
[2] Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. S.A.Hosseini@Alzahra.ac.ir
[3] Department of Educational Science, Yadegar-e- Imam Khomeini (rah), shahr-e-rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Corresponding author: HosseinAli Jahed, Department of Educational Science, Yadegar-e- Imam Khomeini (rah), shahr-e-rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: jahediau@gmail.com

Article Info

Keywords: *Mother's job, Happiness, Academic self-efficacy, elementary school students*

Abstract

Introduction: Maternal employment and its impact on happiness and child's academic self-efficacy are among the most important issues in advanced societies, and today it has received special attention in many countries where women enter the labor market. The purpose of the present study is to determine the relationship between mother's employment with happiness and academic self-efficacy of primary school students.

Methods: The present study method is descriptive correlation type. The statistical population of the present study included the first elementary school students in Shahre Rey in the academic year of 1395-1396, with 10120 students, of whom 370 were selected by multi-stage cluster sampling. All respondents completed demographic information, Oxford Happiness Questionnaires (Argyle & Lev, 1990), and educational self-efficacy (Jinx & Morgan, 1999). Data were analyzed using Paired-point correlation, Pearson correlation, and t-test.

Results: Findings analysis showed that there were no significant relationship between mother's employment with happiness of students (R= 0.074, P≤ 0.075). There were no significant relationship between mother's employment with educational self-efficacy of students (R= 0.003, P≤ 0.477). Also, there were no significant difference between happiness of students based on mother's employment (T= -1.448, P≤ 0.481). And there were no significant difference between educational self-efficacy of students based on mother's employment (T= 0.059, P≤ 0.231). Also, as a side finding, there were no significant relationship between age with student's happiness (R= -0.015, P≤ 0.384) and between age and students' educational self-efficacy (R = 0.06, P≤ 0.104).

Conclusion: The findings showed that there is no significant relationship between mother's employment and student's happiness and educational self-efficacy. Also, there is no significant difference between happiness and educational self-efficacy of students based on mother's employment.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۳۹۹
صفحات: ۵۳-۶۱

رابطه اشتغال مادر با شادکامی وخودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان

حسینعلی جاهد[۱]، سیده اسماء حسینی[۲]، زهرا طغیانی دولت‌آبادی[۳]، شایسته عبدالملکی[۳]

[۱] *گروه علوم تربیتی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران*

[۲] *گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.* S.A.Hosseini@Alzahra.ac.ir

[۳] *گروه علوم تربیتی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران*

نویسنده مسوول: حسینعلی جاهد. گروه علوم تربیتی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: jahediau@gmail.com

چکیده

مقدمه: اشتغال مادر و تأثیر آن در شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی فرزند از موضوعات مورد توجه در جوامع پیشرفته بوده و امروزه در بسیاری از کشورها که زنان وارد بازار کار شده‌اند مورد توجه ویژه قرار گرفته است. هدف این مطالعه تعیین رابطهٔ اشتغال مادر با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی است.

روش‌ها: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعهٔ آماری شامل دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به تعداد ۱۰۱۲۰ بوده که از میان آنان ۳۷۰ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونهٔ آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد و خودکارآمدی تحصیلی جینکز و مورگان بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی، از آزمون‌های همبستگی دو رشته‌ای نقطه‌ای، همبستگی پیرسون و آزمون تی استفاده شده است.

یافته‌ها: با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها، بین اشتغال مادر با شادکامی دانش‌آموزان رابطهٔ معناداری وجود ندارد ($P\leq$ ۰/۰۷۴، $R=$۰/۰۷۵). بین اشتغال مادر باخودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان نیز رابطهٔ معناداری وجود ندارد ($P\leq$ ۰/۴۷۷، $R=$۰/۰۰۳). تفاوت معناداری بین شادکامی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر ($P\leq$ ۰/۴۸۱، $T=$۱/۴۴۸)، و تفاوت معنادار بین خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر($P\leq$ ۰/۲۳۱، $T=$۰/۰۵۹) وجود ندارد. همچنین بعنوان یافته جانبی، بین سن با شادکامی دانش‌آموزان ($P\leq$ ۰/۳۸۴، $R=$-۰/۰۱۵) و بین سن با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان ($P\leq$ ۰/۱۰۴، $R=$۰/۰۶۶) رابطهٔ معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان داد که بین اشتغال مادر با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان رابطهٔ معناداری وجود ندارد. همچنین بین شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: اشتغال مادر، شادکامی، خودکارآمدی تحصیلی، دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی

مقدمه

هم‌اکنون درجوامع مدرن شهری ایرانی مساله‌ای به نام اشتغال مادران درحال رشد می‌باشد که با زندگی جدید شهری همخوان است. اما با بعد روانی و عاطفی فرزندان در دوران تحصیلی همخوان نمی‌باشد. هر خانواده‌ای وظیفه دارد شادکامی و خودکارآمدی فرزندان را که بنیان عاطفه و روان آنها و بالطبع هویت فردی و اجتماعی را می‌سازند تقویت کرده و بهبود بخشد. به همین دلیل باید عوامل اثرگذار بر روی این متغیرها را شناخته و از عوامل منفی و تهدیدکننده کاست و بر عوامل مثبت و فرصت‌ها افزود. خانواده، نخستین پایگاهی است که کودک هنجارهای اساسی رفتار را در آن فراگرفته و نگرش‌ها، اخلاق و روحیات خود را شکل می‌دهد. شبکهٔ وسیعی از ساختارهای اجتماعی – روانی خانواده می‌تواند بر باور و رفتار کودک تأثیر بگذارد[۱]. در این میان مهمترین عامل تعیین‌کنندهٔ رفتار و تغییرات روانشناختی، باور خودکارآمدی فرد است. خودکارآمدی مفهومی پراهمیت است، زیرا متغیر کلیدی در پیش‌بینی یادگیری، انتخاب و عملکرد شغلی و به‌طور کلی موفقیت و سازش‌یافتگی می‌باشد[۲]. پژوهش‌ها نشان می‌دهند افزایش خودکارآمدی روشی مؤثر برای بهبود سلامتی، افزایش بهداشت روان و پیشگیری از بسیاری مشکلات روانی ـ اجتماعی نظیر اضطراب امتحان، فوبی‌ها، اختلالات خوردن، مسائل جنسی، سوء مصرف مواد و غیره به‌شمار می‌آید[۳]. خودکارآمدی را می‌توان اعتقاد و داوری فرد دربارهٔ مهارت‌ها، توانمندی‌ها و قابلیت‌های فرد در اجرا یا رسیدن به یک هدف تعریف کرد. خودکارآمدی بر تعهد فرد نسبت به هدف، عملکرد و مقاومت او در رویارویی با موانع تأثیر می‌گذارد[۴]. عقاید مربوط به خودکارآمدی تعیین‌کننده این مطلب است که افراد در فعالیت‌ها تا چه مدت زمانی به تلاش‌شان ادامه می‌دهند و در برخورد با موقعیت‌های دشوار چگونه تاب‌آوری‌شان را اثبات می‌کنند[۵]. خودکارآمدی در میان دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای‌برخوردار است. دانش‌آموزانی که خودکارآمدی بالایی دارند به این اعتقاد رسیده‌اند که کارها را می‌توان به خوبی و درست انجام داد، لذا از کار و فعالیت اجتناب نمی‌کنند، تلاش خود را افزایش می‌دهند و افکار و احساسات خود را بهتر به کار می‌گیرند، اما دانش‌آموزان با خودکارآمدی پایین هنگام رویارویی با مسائل به توانایی‌هایشان شک دارند و احساس بی‌فایدگی می‌کنند. با اینکه خودکارآمدی جزئی از خودپنداره فرد می‌باشد که به باورهای فرد در رابطه با توانایی‌هایش جهت انجام تکالیفی که در آینده با آنها روبه‌رو می‌شود مربوط است، اما خودکارآمدی تحصیلی شامل باور داشتن به توانایی‌ها برای رسیدن به اهداف در یک زمینه تحصیلی مشخص می‌باشد[۶]. از آنجا که کودک وقت بیشتری را با مادر می‌گذراند و بیشتر نیازهای عاطفی وی توسط مادر ارضاء می‌شود، الگوپذیری و نقش‌پذیری او از رفتارهای مادر بیشتر است. لذا اشتغال از مواردی است که تأثیر آن بر خانواده و به‌ویژه فرزندان بسیار چشمگیر بوده و می‌تواند روی رفتارهای اجتماعی فرزندان تأثیرگذار باشد[۷]. کار مادر موجب استرس و خستگی او می‌شود و این امر موجب می‌شود که مادر انرژی کمتری برای کودکش داشته باشد و خیلی گرم با کودکش برخورد نکند، لذا مادر کمتر در دسترس کودک قرار می‌گیرد. برخی دیگر معتقدند که اشتغال مادر بر خودباوری و شیوهٔ فرزندپروری آنها تأثیر مثبتی دارد. چونکه اغلب مادرانی که فرزندان خود را برای انجام مسئولیت‌های شخصی مورد تشویق و تأیید قرار می‌دهند، فرزندان آنها برای برنامه‌ریزی، انجام تکالیف و وظایف خود، از انتخاب‌های بیشتری برخوردارند و به احتمال زیاد در آینده از مسئولیت‌پذیری و استقلال بیشتری برخوردار خواهند بود[۸].

در ارتباط با رابطهٔ اشتغال مادر و متغیرهایی همچون شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی تحقیقات داخلی و خارجی نشانگر رابطهٔ مشخص و یکسان نیست و گاهی به یافته‌های متضادی بدست آمده است که ریشه در سایر عوامل بومی و اجتماعی دارند. پژوهشی نشان داد که اشتغال مادر تأثیر منفی و معناداری بر روی شادی کودک دارد و همچنین کیفیت اشتغال والدین (امنیت شغلی) و رضایتمندی والدین از زندگی تأثیر مثبت و معناداری بر روی شادکامی کودکان دارد، ولی بیکاری والدین و سن و جنسیت کودکان در سنین ۷ تا ۲۱ سال تأثیر معناداری بر روی شادی آنان در خانواده نداشت [۹]. پژوهش‌های دیگری نشان داد که سطح تحصیلات مادر بر خودکارآمدی فرزند تأثیر داشته و تفاوت معناداری در خودکارآمدی دانش‌آموزان دارای مادران با سطح تحصیلات متفاوت وجود ندارد، اما شاغل یا خانه‌دار بودن مادر عامل تعیین‌کننده‌ای در خودکارآمدی به شمار نمی‌رود [۱۰] و بین شادکامی با عملکرد تحصیلی و اشتغال والدین رابطهٔ معناداری وجود دارد[۱۱]. اس‌لیوا [۱۲] نیز ضمن پژوهشی اشتغال به کار زنان را به‌عنوان متغیری ساختاری در خانواده بیان نمود که در بردارنده تعهدات و مسئولیت‌های بیشتری می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان داد بین میزان سلامت روان کودکان و نوع شغل (رسمی یا غیررسمی) مادران آنها ارتباط معناداری وجود دارد و کودکان مادران شاغل رسمی از سلامت روان بالاتری برخوردار هستند. همچنین ونکه [۱۳] به این نتیجه رسید که عملکرد تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی با جنسیت، وضعیت تأهل، شغل پدر، شغل مادر و وضعیت اقتصادی خانواده رابطه ندارد، ولی همبستگی بین عملکرد تحصیلی با خودکارآمدی تحصیلی معنادار بود و ویلبرتا (۲۰۱۰) [۱۴] ضمن پژوهشی گزارش کرد که مؤلفه‌های خودکارآمدی با اشتغال پدر و مادر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی رابطهٔ مثبت و معناداری داشت و

مؤلفه‌های اثربخشی هیجانی (۰/۱۵)، خوداثربخشی تحصیلی (۰/۱۸) و خوداثربخشی اجتماعی (۰/۱۷) قادر به پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بودند.

در هر حال اشتغال زنان در خارج از خانه از پدیده‌های اجتماعی مورد توجه در جامعه‌شناسی خانواده است که ممکن است نوعی پیشرفت برای زنان محسوب گردد، اما از آنجا که با کارکردهای حمایتی و مراقبتی مادران در خانواده سروکار دارد باید مورد توجه واقع شود[۱۵]. از آنجا که مسئولیت اصلی در ارتباط با مسائل عاطفی و روانی در هر خانواده‌ای به دوش مادر می‌باشد، لذا لازم و ضروری است که در خصوص اشتغال مادران در جوامع مدرن فعلی و تأثیری که بر شادکامی و خودکارآمدی فرزندان می‌گذارد مطالعات بیشتری شود. اظهارات اولیهٔ معلمان و برخی مادران در مورد رفتار و عملکرد دانش‌آموزان مقطع ابتدایی ناحیه ۲ شهری شهر ری نشان دهندهٔ تجلی مشکلاتی نظیر افسردگی، عدم خودکارآمدی و ناامیدی با افزایش اشتغال مادران است [۱۶] ولی پژوهش علمی نیاز است تا رابطهٔ بین اشتغال در خارج از منزل و خانه‌داری مادر با سایر متغیرها را مشخص نماید. باتوجه به مباحث مطرح شده و هدف این مقاله، مساله اصلی این است که آیا بین اشتغال ما در (در این مقاله خانه‌دار بودن و کار در خانه و یا داشتن شغل خارج از خانه) با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی رابطهٔ معناداری وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال، فرضیه‌های زیر طرح و مورد پژوهش قرار گرفته است:

۱- بین اشتغال مادر با شادکامی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهرری رابطهٔ معناداری وجود دارد.

۲- بین اشتغال مادر با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهرری رابطهٔ معناداری وجود دارد.

۳- بین شادکامی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهرری براساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود دارد.

۴- بین خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهرری براساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌ها

پژوهش توصیفی – تحلیلی از نوع همبستگی، ضمن توصیف متغیرها به بررسی رابطه بین متغیرها می‌پردازد و علاوه بر آن میزان و جهت رابطه را مشخص می‌کند[۱۷]. پژوهش مرتبط با مقاله حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که در آن متغیر اشتغال مادر متغیر پیش‌بین و متغیرهای شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی متغیرهای ملاک هستند. لازم به ذکر است که در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد. جامعهٔ آماری پژوهش دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی (پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی) ناحیهٔ ۲ شهر ری در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که تعداد آنها بر اساس آخرین آمار دریافتی از معاونت مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیهٔ ۲ شهرری ۱۰۱۲۰ نفر بود. با توجه به حجم جامعه و بر اساس جدول مورگان حجم نمونه ۳۷۰ نفر برآورد شد و برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در این روش پس از مشخص شدن آمار دانش‌آموزان به تفکیک مدارس و با توجه به اینکه حدوداً ۳۰ درصد مادران شاغل و میانگین تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس حدودا ۳۰ نفر بود، ابتدا تعداد دوازده مدرسه (شش پسرانه و شش دخترانه) به روش تصادفی ساده انتخاب و سپس از هر مدرسه سه کلاس (هر پایه یک کلاس) به روش تصادفی ساده انتخاب شد. سپس برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز ، ضمن بیان هدف برای مدیران مقطع ابتدایی اداره آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر ری، از آنان اجازه پژوهش گرفته شد و پس از آن به مدارس نمونه‌گیری شده مراجعه و هدف پژوهش برای کادر اداری مدرسه‌ها توضیح داده شد و نحوهٔ انجام پژوهش با آنان هماهنگ شد. سپس پس از بررسی ملاک‌های ورود به مطالعه و خروج از مطالعه، پرسشنامه‌ها بین دانش‌آموزان توزیع شد و از آنان خواسته تا با نهایت دقت گویه‌ها را مطالعه کرده و صادقانه به آنها پاسخ دهند.. داده‌های جمع‌آوری شده در دو سطح توصیفی و استنباطی تحلیل شدند. در سطح توصیفی از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی برای توصیف توزیع متغیرها و در سطح استنباطی از روش‌های همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای، همبستگی پیرسون و آزمون تی تست برای بررسی فرض‌های آماری استفاده شد. برای جمع‌آوری داده‌ها نیز از ابزار پرسشنامه و اطلاعات جمعیت‌شناختی زیر استفاده شد:

الف) اطلاعات جمعیت‌شناختی: شامل سوال‌هایی دربارهٔ نوع اشتغال مادر (خانه‌دار و یا دارای شغل خارج از خانه)، جنسیت، پایهٔ تحصیلی، تحصیلات و اشتغال پدر و تحصیلات مادر بود که بعد از توضیحات مقدماتی، در ابتدای پرسشنامه پرسیده شده بود.

ب) پرسشنامه شادکامی آکسفورد: این پرسشنامه استاندارد شده توسط آرگایل و لو در سال ۱۹۹۰ با ۲۹ گویه طراحی شد که با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۱= کاملاً مخالفم، ۲= مخالفم، ۳= تاحدی موافق و تاحدی مخالفم، ۴= موافقم و ۵=کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود، لذا دامنه نمرات بین ۲۹ تا ۱۴۶ می‌باشد. نمرهٔ این ابزار با مجموع نمرهٔ گویه‌ها به‌دست می‌آید و نمرهٔ بالاتر به معنای شادکامی بیشتر می‌باشد. آرگایل و لو [۱۸] پایایی ابزار مذکور را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ گزارش کردند. همچنین علی‌پور و نوربالا [۱۹] روایی ابزار را با نظر متخصصان تأیید و پایایی آن با روش دونیمه کردن ۰/۹۲ گزارش کردند. علاوه بر آن علی‌پور و آگاه هریس [۲۰] پایایی

پرسشنامه شادکامی آکسفورد را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش کردند. در این پژوهش پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد.

ج) پرسشنامهٔ خودکارآمدی تحصیلی: این پرسشنامه توسط جینکز و مورگان در سال ۱۹۹۹ طراحی شد. این ابزار ۳۰ گویه دارد و با استفاده از مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت (۱=کاملاً مخالفم، ۲=تا حدودی مخالفم، ۳= تا حدودی موافقم و ۴= کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود، لذا دامنه نمرات بین ۳۰ تا ۱۲۰ می‌باشد. در این ابزار گویه‌های ۵، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۲ و ۲۸ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره این ابزار با مجموع نمره گویه‌ها به‌دست می‌آید و نمره بالاتر به معنای خودکارآمدی تحصیلی بیشتر می‌باشد. جینکز و مورگان[۲۱] پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش کردند. همچنین حاتم‌زاده عربی، ایزدی و هاشمی (۱۳۹۴) [۲۲] پایایی ابزار را با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ گزارش کردند.در این پژوهش پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد.

نتایج

بر حسب یافته‌های توصیفی فراوانی و درصد فراوانی دانش‌آموزان به تفکیک وضعیت سنی، جنسیت و پایه تحصیلی دانش‌آموزان، و وضعیت اشتغال و تحصیلات مادر و اشتغال پدر به شرح جدول ۱ می‌باشد. شاخص‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کمترین مقدار و بیشترین مقدار متغیرهای شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان نیز به شرح جدول ۲ بدست آمده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونهٔ آماری

جنسیت	فراوانی	درصد	اشتغال مادر	فراوانی	درصد	تحصیلات مادر	فراوانی	درصد
پسر	۱۷۲	۴۹	شاغل	۱۰۹	۲۹	زیر دیپلم	۱۶	۴
دختر	۱۹۸	۵۱	خانه‌دار	۲۶۱	۷۱	دیپلم	۱۰۰	۲۷
کل	۳۷۰	۱۰۰	کل	۳۷۰	۱۰۰	کاردانی	۵۷	۱۶
سن (سال)	فراوانی	درصد	**پایه تحصیلی**	فراوانی	درصد	کارشناسی	۱۵۱	۴۱
۷	۱۳۳	۳۶	پایه اول	۱۳۴	۳۶	کارشناسی ارشد	۴۲	۱۱
۸	۱۵۶	۴۲	پایه دوم	۱۵۹	۴۳	دکتری	۴	۱
۹	۸۱	۲۲	پایه سوم	۷۷	۲۱	کل	۳۷۰	۱۰۰
کل	۳۷۰	۱۰۰	کل	۳۷۰	۱۰۰			

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
شادکامی	۶۳/۸۳۷	۱۸/۲۷۲	۳۰	۱۱۱
خودکارآمدی تحصیلی	۵۴/۷۷۵	۸/۸۰۶	۳۵	۸۰

در بخش تحلیل استنباطی، بررسی فرضیه اول مبنی بروجود رابطهٔ معنادار بین اشتغال مادر با شادکامی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری با استفاده از همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای انجام شد که نتایج نشان داد که بین اشتغال مادر با شادکامی دانش‌آموزان رابطهٔ معناداری وجود ندارد ($P\leq$۰/۰۷۴، $R=$۰/۰۷۵). بررسی فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطهٔ معنادار بین اشتغال مادر با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری با استفاده از همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای نشان داد بین اشتغال مادر با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان رابطهٔ معناداری وجود ندارد ($P\leq$۰/۴۷۷، $R=$۰/۰۰۳). لازم به ذکر است که برای تحلیل و تفسیر این نوع همبستگی یکی از ارزش‌های متغیر دوارزشی صفر (شغل رسمی) و دیگری یک (شغل خانه‌دار) کدگذاری شد. در تفسیر مقدار به‌دست آمده این‌طور قضاوت می‌شود که اگر مقدار به‌دست آمده بین صفر و یک باشد بین متغیری که کد یک داده شده با متغیر پیوسته و اگر بین صفر تا منفی یک باشد بین متغیری که کد صفر داده شده با متغیر پیوسته رابطه وجود دارد. فرضیه سوم: بین شادکامی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری بر اساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود دارد. برای بررسی فرضیه سوم مبنی بر وجود تفاوت معنادار بین شادکامیدانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری بر اساس وضعیت اشتغال مادر از آزمون تی تست استفاده (جدول ۳) و مشخص شد که بین شادکامی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود ندارد ($T=-$۱/۴۴۸، $P\leq$۰/۴۸۱).

جدول ۳: نتایج تی تست شادکامی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادران

اشتغال	میانگین	اختلاف میانگین‌ها	آماره آزمون (T)	درجه آزادی	معناداری
شاغل	۶۲/۹۵۰				
خانه‌دار	۶۵/۹۶۳	۳/۰۱۳	-۱/۴۴۸	۳۶۸	۰/۴۸۱

بررسی فرضیه چهارم (وجود تفاوت معنادار بین خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری بر اساس اشتغال مادر)با استفاده از تی تست (جدول ۴)نشان داد که بین خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود ندارد ($T=۰/۰۵۹$، $P\leq۰/۲۳۱$).

جدول ٤: نتایج تی تست خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادران

اشتغال	میانگین	اختلاف میانگین‌ها	آماره آزمون (T)	درجه آزادی	معناداری
شاغل	۵۴/۷۹۳				
خانه‌دار	۵۴/۷۳۳	۰/۰۵۹	۰/۰۵۹	۳۶۸	۰/۲۳۱

بعنوان یافته جانبی، بررسی رابطه متغیر سن با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سن با شادکامی دانش‌آموزان ($P\leq۰/۳۸۴$ ، $R=-۰/۰۱۵$) و بین سن با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان ($P\leq۰/۱۰۴$ ،$R=۰/۰۶۶$) رابطهٔ معناداری وجود ندارد.

بحث

یکی از یافته‌ها عدم وجود رابطهٔ معنادار بین اشتغال مادر با شادکامی دانش‌آموزان بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های سیاح[۹]، مرادی [۱۱] و برگر [۲۳] ناهمسو است. سیاح در پژوهشی به این نتیجه رسید که اشتغال مادر تأثیر منفی و معناداری بر روی شادکامی کودکان داشت. در پژوهشی دیگر مرادی گزارش کرد که بین اشتغال والدین با شادکامی دانش‌آموزان دبیرستانی رابطهٔ معناداری وجود داشت. همچنین برگر ضمن پژوهشی به این نتیجه رسید که اشتغال مادر تأثیر معناداری بر شادکامی داشت. دلیل ناهمسویی نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی می‌تواند متفاوت بودن جامعه آماری پژوهش باشد. این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی (پایه‌های اول تا سوم ابتدایی) انجام شد، اما پژوهش سیاح بر روی دانش‌آموزان ابتدایی پایه اول تا ششم، پژوهش مرادی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی و پژوهش برگر بر روی خود مادران انجام شد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی از لحاظ ویژگی‌های رشدی و روانشناختی با دانش‌آموزان بزرگسال متفاوت هستند، لذا ناهمسو بودن نتایج این پژوهش می‌تواند به این موضوع نیز ارتباط داشته باشد. در تبیین بیشتر عدم رابطهٔ معنادار بین اشتغال مادر با شادکامی دانش‌آموزان می‌توان گفت که دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی بیشتر تحت تأثیر معلم خود هستند تا خانواده و والدین (به‌ویژه مادر)، لذا برای این دانش‌آموزان تفاوت زیادی ندارد که مادران آنها شاغل یا خانه‌دار باشد. آنها حتی اشتباه معلمان خود را نمی‌پذیرند و می‌گویند چون معلم ما این‌طور گفته پس درست است.

یافته دوم این بود که بین اشتغال مادر با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان رابطهٔ معناداری وجود نداشت ($P\leq ۰/۴۷۷$ ،$R=۰/۰۰۳$). این یافته با نتایج پژوهش‌های محمودپور و همکاران، ۱۳۹۴و ونکه، ۲۰۱۳ [۱۳] همسو و با نتایج پژوهش ویلبرتا (۲۰۱۰) [۱۴] ناهمسو بود. محمودپور و همکاران [۱۰] ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین اشتغال مادر با خودکارآمدی رابطهٔ معناداری وجود نداشت. ونکه (۲۰۱۳) گزارش کرد که بین خودکارآمدی تحصیلی با اشتغال پدر و مادر رابطهٔ معناداری وجود ندارد. در مقابل ویلبرتا (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین خودکارآمدی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان با اشتغال پدر و مادر رابطهٔ معناداری وجود دارد. پژوهش ویلبرتا (۲۰۱۰) بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام شده است و دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و الگوپذیری با دانش‌آموزان دوره راهنمایی و دبیرستان متفاوت هستند. معمولا الگوی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی معلمان، اما الگوی دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی و دبیرستان غالباً همسالان هستند.

در تبیین عدم رابطهٔ معنادار بین اشتغال مادر با خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان می‌توان گفت با اینکه دانش‌آموزان دارای مادر شاغل در مقایسه با دانش‌آموزان دارای مادر خانه‌دار فرصت کمتری برای با مادر بودن و دریافت کمک‌های تحصیلی از مادر

هستند، اما این فرصت کم را از طریق کمک گرفتن از سایر اعضای خانواده و تلاش بیشتر جبران می‌کنند. همچنین دانش‌آموزان دارای مادر شاغل به علت در دسترس نبودن مادر برای کمک‌های تحصیلی، احساس می‌کنند باید تلاش بیشتری برای رسیدن به سطح سایر دانش‌آموزان کلاس داشته باشند و حتی این دانش‌آموزان تلاش می‌کنند تا به تنهایی بر مشکلات تحصیلی غلبه کنند و این باعث مستقل‌تر شدن کودک دارای مادر شاغل شده و در اثر مشاهده پیامد تلاش‌هایی که صرفاً خودش عامل بوده احساس خودکارآمدی می‌نماید. در نتیجه این عوامل باعث می‌شوند دانش‌آموزان دارای مادر شاغل همانند دانش‌آموزان دارای مادر خانه‌دار احساس خودکارآمدی تحصیلی کنند.

عدم وجود تفاوت معنادار بین شادکامی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر یافته بعدی است که با نتایج پژوهش‌های مرادی، ۱۳۹۳ و اسلیوا، ۲۰۱۵ ناهمسو است. مرادی [۱۱] گزارش کرد که بین شادکامی دانش‌آموزان دبیرستانی بر اساس اشتغال والدین تفاوت معناداری وجود دارد. اسلیوا [۱۲] گزارش کرد که سلامت روانی و شادکامی کودکان دارای مادر شاغل بیشتر از کودکان دارای مادر غیرشاغل است. دلیل ناهمسویی نتیجه این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی می‌تواند متفاوت بودن جامعه پژوهشی و مکان اجرای پژوهش باشد. این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی (پایه‌های اول تا سوم ابتدایی) انجام شد، اما پژوهش مرادی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی و پژوهش اسلیوا بر روی دانش‌آموزان پیش‌دبستانی انجام شد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی در مقایسه با دانش‌آموزان پیش‌دبستانی مستقل‌تر هستند و در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستانی بیشتر تحت تأثیر معلمان خود هستند تا همسالان، لذا نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی ناهمسو بود.

یافته بعدی نشانگر نبود تفاوت معنادار بین خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر بود.این یافته با نتایج پژوهش‌های محمودپور و همکاران، ۱۳۹۴ و ونکه، ۲۰۱۳ همسو و با نتایج پژوهش ویلبرتا، ۲۰۱۰ ناهمسو بود. محمودپور و همکاران[۱۰]گزارش کرد که خودکارآمدی دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی بر اساس شاغل یا خانه‌دار بودن مادر تفاوت معناداری ندارد و ونکه[۱۳] گزارش کرد که بین خودکارآمدی تحصیلی بر اساس اشتغال پدر و مادر تفاوت معناداری وجود ندارد. در مقابل ویلبرتا [۱۴] گزارش کرد که بین خودکارآمدی دانش‌آموزان با توجه به اشتغال پدر و مادر تفاوت معناداری وجود داشت. دلیل ناهمسویی این یافته با نتایج پژوهش ویلبرتا (۲۰۱۰)، متفاوت بودن بافت فرهنگی و تفاوت در جامعه پژوهشی می‌باشد. پژوهش ویلبرتا بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی در یک کشور اروپایی انجام شده که از لحاظ بافت فرهنگی و آموزشی با کشور ایران تفاوت زیادی دارد.

نتیجه گیری

پژوهش مرتبط با مقاله حاضر با هدف تعیین رابطه اشتغال مادر با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی ناحیه ۲ شهر ری انجام شد. نتایج نشان داد که بین اشتغال مادر با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر تفاوت معناداری وجود نداشت. علاوه بر آن بین سن با شادکامی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود نداشت. در تبیین عدم تفاوت معنادار خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر می‌توان گفت از یک سو دانش‌آموزان دارای مادر شاغل در مقایسه با دانش‌آموزان دارای مادر خانه‌دار فرصت کمتری برای با مادر بودن و دریافت کمک‌های تحصیلی از وی هستند، اما از سوی دیگر مادران شاغل امکانات بیشتری را برای موفقیت تحصیلی در اختیار فرزندان خود قرار می‌دهند و این عامل موجب می‌شود که فرزند آنها تلاش بیشتری برای موفقیت و مستقل شدن انجام دهد و به دلیل رسیدن به موفقیت و عقب نماندن از دانش‌آموزانی که دارای مادر خانه‌دار و حتی جلو زدن از آنها احساس عامل شخصی نمایند و به عبارت دیگر خود را عامل موثر در موفقیت و رسیدن به هدف ببینند که این عوامل باعث می‌شوند که بین خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس شاغل بودن یا خانه‌دار بودن مادر تفاوت معناداری وجود نداشته باشد. تبیین دیگر این است که یافته‌های متفاوت و متناقضی درباره تفاوت بین خودکارآمدی دانش‌آموزان بر اساس اشتغال مادر وجود دارد. در برخی مطالعات از اشتغال مادر به‌عنوان عامل خطر ابتلاء به اختلال رفتاری یاد شده است. دلیل آنها این است که عدم حضور مادر در منزل باعث کاهش نظارت و کنترل، ارتباط کوتاه‌تر و صرف زمان و حمایت کمتری از جانب مادر خواهد شد. در مقابل برخی مطالعات دیگر نشان دادند که شانس ابتلاء به اختلال رفتاری در کودکان مادران خانه‌دار بیشتر است. دلیل آنها این است که کیفیت ارتباط با کودک از مدت زمان بودن با وی اهمیت بیشتری دارد. بنابراین به نظر می‌رسد که کیفیت رابطه بسیار مهمتر از کمیت آن باشد و به نظر می‌رسد که در این پژوهش بین کیفیت ارتباط مادران شاغل و خانه‌دار با فرزندان تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته که این عامل باعث می‌شود بین دانش‌آموزان بر اساس شاغل بودن یا خانه‌دار بودن مادر تفاوت معناداری در خودکارآمدی تحصیلی وجود نداشته باشد. بر حسب نتایج مطالعات انجام شده و با توجه به اینکه دانش‌آموزان دورهٔ اول ابتدایی به تنهایی قادر به برآوردن نیازهای روانشناختی و تحصیلی خود نیستند، لذا پیشنهاد می‌شود مادران برای خود شغل‌های نیمه وقت انتخاب کنند و از این طریق تأثیر منفی اشتغال خود بر ویژگی‌های روانشناختی فرزندان را کاهش دهند.

همچنین مدیران، برنامه‌ریزان و سایر مسئولان اشتغال، بهتر است که به نشانه‌های وضعیت اشتغال مادران و تأثیر آن بر ویژگی‌های روانشناختی به‌ویژه شادکامی و خودکارآمدی توجه کرده و بر اساس آنها برنامه‌هایی برای بهبود شادکامی و خودکارآمدی دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند. همچنین پیشنهاد می شود در پژوهش‌های آتی برای جمع‌آوری داده‌ها به‌ویژه در بررسی شادکامی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شود و سایر ویژگی‌های روانشناختی دانش‌آموزان دارای مادر شاغل و خانه دار مورد بررسی قرار گیرد. بدون شک با شناخت بیشتر ویژگی‌های روانشناختی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان می‌توان تحلیل‌های جامع‌تری ارائه و برنامه‌های کاربردی بهتری تدوین کرد.

سپاسگزاری

محققین این مقاله بر خود لازم می دانند از کلیه مدیران مدارس ابتدایی شهر ری که به منظور تکمیل پرسشنامه‌های این تحقیق همکاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نمایند.

ملاحظات اخلاقی

پرسشنامه این پژوهش با هماهنگی آموزش و پرورش و مدارس ابتدایی شهر ری توزیع گردید این پرسشنامه بدون نام بوده و در تکمیل آن هیچ اجباری نبوده است. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی در دانشگاه آزاد اسلامی (با کد شناسایی ۱۳۹۲۱۲۱۲۹۵۲۰۱۸) است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره) شهری ری به انجام رسیده است.

تضاد منافع

نویسندگان تصریح می نمایند که هیچ‌گونه تعارض منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

References

1. Razavi, Seyyed F. The role of metacognitive beliefs and self-efficacy in predicting the academic performance of high school students in Yasuj. Malaysia: International Conference on Management and Dynamic Economics of Iran-Malaysia; 2016. [Persian]
2. Erin, Mohammad A. The Relationship between Demographic Characteristics of Study Skills and Academic Self-Esteem with Educational Performance of Payame Noor Students. Sari: The First International Management Conference, Economics, Accounting, and Educational Sciences. 2015. [Persian]
3. Sahrayi, F. The prediction of mathematical academic achievement based on self-efficacy dimensions. Qom: The first international conference on modern research in the field of education and psychology and social studies of Iran; 2016. [Persian]
4. Peinar, S. Effects of antenatal education on fear of childbirth, maternal self-efficacy and parental attachment- Pamukkale University. Turkey: Faculty of Health Sciences of Denizli; 2016.
5. Goldberg, W. A. Maternal and paternal employment, happiness- encyclopedia of infant and early childhood development. University of California: Irvine, CA, USA; 2008.
6. Altunsoy, S., Cimen, O., Ekici, G., DeryaAtik, A. C., & Ahmet, A. An assessment of the factors that influence biology teacher candidates' levels of academic self-efficacy. Procedia Social and Behavioral Sciences; 2010. 2: 2377–2382.
7. Kushki, Z. The Effect of Women's Employment on Family Relationships and Structure. Tehran: Second National Conference on Sociology and Social Sciences; 2014. [Persian]
8. Ag, A., Arjuni, S., Arjuni, A & Arjuni, Z., A Survey on Understanding the Impact of Female Employment on Family Strengthening. TarbiatHeidariya University of Mashhad: Second International Conference on Psychology, Education and Lifestyle; 2015. [Persian]
9. Sayyah, S. Investigating the Impact of Unemployment and Parental Quality on Children's Happiness (Case Study of Primary School Students in Sahand New Town). Tehran: The first scientific congress of research and development of education and psychology, sociology and social science of Iran; 2015. [Persian]
10. Mahmodpour, Abdul Basit, Voldekhani, M, Situation, N and Asayesh, M. H. Relationship between the level of education and mother's employment with self-efficacy of sixth grade students in Tehran's schools in 2014. Public Health Journal, 2015. 9 (1): 9-1. [Persian]
11. Moradi, Z. Investigating the Relationship between Parent's Employment and Student's Happiness through Performance Mediation; 2014. [Persian]
12. Sliwa, S. A. Maternal employment, acculturation, and time spent in related behaviors among Hispanic mothers in the United States. Evidence from the American Time Use Survey- Friedman School of Nutrition Science and Policy, Tufts University, 150 Harrison Avenue, Boston: USA; 2015.
13. Wencke, G. Maternal employment and childhood– a european perspective- department of intercultural communication and management. Denmark: Centre for Corporate Social Responsibility, Copenhagen Business School; 2013.
14. Wilberta, D. Maternal sensory sensitivity and response bias in detecting change in infant facial expressions: maternal self-efficacy and infant gender labeling. University of Wisconsin Madison: Madison, WI, USA; 2010.
15. Afshari, M. The study of the role of mothers' occupation on the responsibility of high school girls in Mashhad. Master's Degree of Consultation, Allameh Tabatabai University of Tehran, 2013. [Persian]
16. Toghyani Dolatabadi .Z The relationship between mother employment whit happiness and self-eficacy of elementary school students in area 2 of Shahr Rey city Islamic Azad university Shahrrey branch, 2016 [Persian]
17. Delawar A. Theoretical and practical foundations of research in the humanities and social sciences. Tehran: Growth Publishing. 2008. [Persian]
18. Argyle, M., & Lu, L. The happiness of extraverts. Personality and Individual differences, 1990; 11: 1011-1017.
19. Alipour, A. and Nourbala, A.A. Preliminary Study of Reliability and Validity of Oxford Happiness Inventory in

Tehran University Students. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology; 1999, 17 &18: 65-55 .
20. Alipour, A., Agah Heris, M. Reliability and validity of the oxford happiness inventory among Iranians, 2007; 3(12), 287-298. [Persian]
21. Jinks, J., & Morgan, V. Children's perceived academic self-efficacy: an inventory scale. Journal of Clearing House; 1999. 72(4): 224-30
22. HatamzaheyeArabi, E., Izadi, S., and Hashemi, S. Comparison of academic performance and academic self-efficacy of bilingual and monolingual students in elementary school. Journal of Research in Curriculum Design, 2015, 12 (1): 75-63. [Persian]
23. Berger, E. M. Maternal employment and happiness: the effect of non-participation and part-time employment on mothers' life satisfaction. Oxford; 2009.